

با آثار فریدون آدمیت در دورانی که به عنوان آرشیویست در سازمان نوپای اسناد ملی ایران، در زمان ریاست سیروس پرهام، کار می‌کردم - و اکنون به نظرم عمری پیش می‌رسد - آشنا شدم. خواندن آثار آدمیت و مورخین برجسته دیگری چون احمد کسروی، و مطالعه منظم‌تر تاریخ نوین ایران و آشنایی با چهره‌های اثرگذار تاریخی، سیاست‌مداران و سیاست‌بازان آن که یک ضرورت حرفه‌ای بود به علاقه‌ای شخصی و سیاسی ماندگار تبدیل شد. از آن پس در کار تحقیق در مورد ایران همیشه کتاب‌های آدمیت برایم یکی از مهم‌ترین منابع تاریخ سیاسی بوده.

برجستگی نوشته‌های آدمیت از این رو است که او تنها راوی رویدادها و وقایع تاریخی نیست، بلکه با استفاده از روایت‌های وقایع‌نگاران و تحقیق، مطالعه و موشکافی اسناد تاریخی در پی علت‌یابی است و می‌کوشد دلایل اجتماعی و سیاسی وقایع سرنوشت‌ساز تاریخی را توضیح دهد و انگیزه عاملین و دست‌اندرکاران را تحلیل کند. شاید امروز بیش از همیشه روشن باشد که عدم آشنایی یک ملت، بخصوص روشنفکران آن با تاریخ خود و بهره نگرفتن از تلاش‌های مورخین خردگرا و روشنگری چون فریدون آدمیت برای کالبد شکافی وقایع و چهره‌های تاریخی چه عوارض شومی برای جامعه دارد.

اهمیت نوشته‌های به چاپ رسیده آدمیت تنها استفاده از متدولوژی مدرن تاریخ‌نگاری نیست. و نه حتی این واقعیت که او معتقد به «بی‌طرفی» مورخ نبود چرا که جانبداری نکردن خود نوعی جانبداری است. زیر متن کلیه آثار آدمیت، چه تحقیقات مستقل او و چه آثاری که با مشارکت مورخ برجسته دیگر، هما ناطق، ارائه داده اعتقاد راسخ او به خردگرایی، تجدد، دموکراسی، ضرورت قانون و قانون‌گذاری عرفی و احترام به عاملیت انسان، و بیزاری‌اش از استبداد، تحجر و خرافه به عنوان موانع عمده نوسازی فرهنگی سیاسی، اجتماعی ایران بوده است بی آنکه تأثیر مداخلات خارجی، و نفوذ بیگانه را ندیده بگیرد. هر چند که گاهی مفاهیم عامی که در ارزیابی‌های خود بکار می‌برد تعصب‌آمیز به نظر می‌رسد، مفاهیمی مانند «عنصر بهایی» و «عنصر جهود» که او در کتاب امیرکبیر و ایران از آنها به عنوان عامل سیاست انگلیس در ایران یاد کرده و «یکپارچه بیگانه پرستی» آنان را محکوم می‌کند. نیز احترام فوق‌العاده یا شیفتگی آدمیت نسبت به سیاست‌گذاران میهن‌دوستی چون امیرکبیر مانع می‌شود که او سیاست «قاهرانه» امیر در کشتارهای فجیع اوایل زمامداری‌اش را مورد انتقاد قرار دهد.

هدف عمده تحقیقات تاریخی آدمیت روشن کردن عوامل سیاسی و اجتماعی داخلی و ویژگی‌های خاص فرهنگی ایران در روند تجدد و پروسه دست و پا شکسته مدرنیته آن است با امید راهیابی آینده. خدمت بزرگ فریدون آدمیت به تاریخ‌نگاری هوشمندانه و عدالت‌جویانه در سعی او است برای هوشیار کردن جامعه به وجود تلاش‌های روشنگرانه بومی و توضیح دلایل ناکامی این تلاش‌ها. کوشش او مقابله با عوارض روانی استعمار و ستم و هویت تحقیر شده ملی است تا ایرانیان عقلانیت، تجدد، حکومت قانون و دموکراسی را در انحصار و توان تمدن غرب نبینند، از وجود دلایل شکست تلاش‌های اندیشمندان تجددطلب ایران آگاه باشند، و راه‌های دیگری برای تحقق این خواسته‌ها بیابند. این خنده‌شی است ماندگار و شایسته سپاس.